

فهرست

پایه دهم

درس اول: هدف زندگی..... ۷	درس هفتم: وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ... ۱۴۲
درس دوم: پرواز..... ۱۲	درس هشتم: احیای ارزش های راستین ۱۴۷
درس سوم: پنجره‌ای به روشنایی..... ۱۸	درس نهم: عصر غیبت..... ۱۵۳
درس چهارم: آینده روشن..... ۲۴	درس دهم: مرجعیت و ولایت فقیه..... ۱۶۳
درس پنجم: منزلگاه بعد..... ۳۱	درس یازدهم: عزت نفس..... ۱۷۰
درس ششم: واقعه بزرگ..... ۳۷	درس دوازدهم: پیوند مقدس..... ۱۷۶
درس هفتم: فرجام کار..... ۴۳	پاسخنامه تشریحی..... ۱۸۳

پایه دوازدهم

درس اول: هستی بخش..... ۲۰۲	درس اول: هدایت الهی..... ۹۸
درس دوم: یگانه بی همتا..... ۲۰۹	درس دوم: تداوم هدایت..... ۱۰۴
درس سوم: توحید و سبک زندگی..... ۲۱۶	درس سوم: معجزه جاویدان..... ۱۱۲
درس چهارم: فقط برای تو..... ۲۲۲	درس چهارم: مسئولیت های پیامبر ﷺ..... ۱۱۸
درس پنجم: قدرت پرواز..... ۲۳۰	درس پنجم: امامت، تداوم رسالت..... ۱۲۶
درس ششم: سنت های خداوند در زندگی..... ۲۳۹	درس ششم: پیشوایان اسوه..... ۱۳۴
درس هفتم: بازگشت..... ۲۴۸	

پایه یازدهم

درس اول: هدایت الهی..... ۹۸	درس هفتم: احکام الهی در زندگی امروز..... ۲۵۵
درس دوم: تداوم هدایت..... ۱۰۴	درس نهم: پایه های استوار..... ۲۶۲
درس سوم: معجزه جاویدان..... ۱۱۲	درس دهم: تمدن جدید و مسئولیت ما..... ۲۷۰
درس چهارم: مسئولیت های پیامبر ﷺ..... ۱۱۸	پاسخنامه تشریحی..... ۲۷۷
درس پنجم: امامت، تداوم رسالت..... ۱۲۶	آزمون های جامع..... ۲۹۲
درس ششم: پیشوایان اسوه..... ۱۳۴	پاسخنامه تشریحی آزمون های جامع..... ۲۹۹

پایه دهم

بخش اول: تفکر و اندیشه

« درس اول: هدف زندگی

« درس دوم: پرواز

« درس سوم: پنجره‌ای به روشنایی

« درس چهارم: آینده روشن

« درس پنجم: منزلگاه بعد

« درس ششم: واقعه بزرگ

بخش دوم: قدم در راه

« درس هفتم: فرجام کار

« درس هشتم: آهنگ سفر

« درس نهم: دوستی با خدا

« درس دهم: یاری از نماز و روزه

« درس یازدهم: فضیلت آراستگی

« درس دوازدهم: زیبایی پوشیدگی



درس اول: هدف زندگی

در این درس چه می خوانیم؟

در این درس سخن از بیهوده نبودن آفرینش جهان و هدفمند بودن آن است. همچنین می خوانیم که هدف اصلی از خلقت انسان چیست و پی می بریم که کدام هدف ها در زندگی ما ارزش بیشتری دارند و هدف اصلی محسوب می شوند و کدام هدف ها هدف فرعی هستند.

جهان هدفمند

خلقت جهان نمی تواند بیهوده و بی هدف باشد (معلول)، زیرا خالق آن خداوند حکیم است (علت) و خدای حکیم هیچ کاری را بیهوده انجام نمی دهد.
آیات مرتبط:

سوره دخان - آیات ۳۸ و ۳۹

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾

و ما آسمان ها و زمین و آنچه بین آن هاست را به بازیچه نیافریدیم، آن ها را جز به حق خلق نکرده ایم.

مفهوم آیات: خلقت هدفمند جهان آفرینش

نکات آیات: ۱ حق بودن آفرینش جهان به معنی هدفمند بودن آن است.

۲ عبارت «خلقنا» به توحید در خالقیت اشاره دارد. [ترکیبی با درس ۲ دینی دوازدهم]

۳ آفرینش هدفمند نشانه حکمت الهی است.

۴ انسان نیز همانند سایر مخلوقات، آفرینشی هدفمند دارد و باید در راستای رسیدن به آن هدف حرکت کند.

ارتباط: این آیات با آیه ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ در درس چهارم دینی دهم ارتباط دارد؛ زیرا هر دو به بیهوده نبودن خلقت براساس حکمت الهی اشاره می کنند.

سفن مضرت علی (علیه السلام) در آغاز اغلب موعظه ها:

«ای مردم ... هیچ کسی بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لهو کند و او را به خود وانگذاشته اند تا به کارهای لغو و بی ارزش بپردازد.»

مفهوم حدیث: آفرینش هدفمند (بیهوده آفریده نشدن) انسان (حق بودن آفرینش)

تفاوت در هدف: انسان به دلیل ویژگی های خاص و تمایز او از سایر موجودات (علت)، در چگونگی رسیدن به هدف خود، تفاوت هایی با سایر موجودات دارد. (معلول)

تفاوت ها	انسان	سایر موجودات
تفاوت اول	خود باید هدفش را بشناسد (برخورداری از قدرت تعقل) و آن را انتخاب کند (برخورداری از سرمایه اختیار) و به سوی آن گام بردارد.	گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می کنند. نمونه: تبدیل دانه گندم به خوشه یا نهال خرما به نخل تنومند
تفاوت دوم	به خاطر روحیه بی نهایت طلبی همواره به دنبال اهداف پایان ناپذیر و تمام نشدنی است.	هم حیوانات و هم گیاهان هدف محدودی دارند و وقتی به میزانی از رشد و کمال می رسند، متوقف می شوند.
تفاوت سوم	انسان مجموعه ای از استعداد های مادی و معنوی است (علت پس) به دنبال انتخاب هدف هایی است تا از آن طریق، استعداد های خود را به کمال برساند.	حیوانات و گیاهان استعداد های محدود مادی دارند.

اختلاف انسان ها در انتخاب هدف

انسان ها اهداف مختلفی دارند؛ مثل رسیدن به پول و ثروت، جاه و مقام، کشف اسرار جهان و ...

منشأ اختلاف انسان ها در انتخاب هدف (معلول)، اختلاف در نوع اندیشه انسان است (علت)؛ زیرا هر کسی با بینش و نگرش خاص خود به دنبال هدفی می رود.



مثال اگر کسی کمک به دیگران را ارزشمند، سیراب‌کننده روحیه بی‌نهایت‌طلب و پاسخگوی استعدادهای گوناگونش بداند، می‌کوشد تا به دیگران کمک کند یا اگر کسی داشتن شهرت را مهم می‌داند، همه زندگی خود را صرف رسیدن به شهرت می‌کند و کسی که کمالات و خوبی‌های متعالی و بزرگ را شناخته، به آن‌ها دل می‌بندد و برای رسیدن به آن‌ها می‌کوشد.

معیار ارزش‌گذاری هدف‌ها

با توجه به آیات قرآن، هدف‌های انسان در زندگی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

اهداف اصلی (هدف‌های اخروی)	اهداف فرعی (هدف‌های دنیوی)
آیه ۱۹ سوره اسراء: و آن کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن سعی و کوشش کند، پاداش داده خواهد شد.	آیه ۱۸ سوره اسراء: آن کسی که تنها زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - و به هر کسی اراده کنیم - می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد تا با خواری و سرافکندگی در آن وارد شود.
پیام آیه ۱ برخی هدف‌ها پایان‌ناپذیر و همیشگی‌اند و پاسخگوی استعدادهای مادی و معنوی بیشتری در وجود ما هستند (پیام مشترک با آیه ۶۰ سوره قصص)	پیام آیه ۱ برخی از هدف‌ها و دل‌بستگی‌ها پایان‌پذیرند و تنها پاسخگوی برخی از استعدادهای مادی ما هستند.
۲ اگر کسی آن‌ها را به‌عنوان هدف اصلی برگزیند و برای رسیدن به آن‌ها بکوشد، به هدف خود خواهد رسید. (پیام مشترک با آیات ۲۰۱ و ۲۰۲ سوره بقره)	۲ اگر کسی آن‌ها را به‌عنوان هدف اصلی برگزیند ممکن است به مقداری از آن برسد. (پیام مشترک با آیه ۲۰۰ سوره بقره)
آیات ۲۰۱ و ۲۰۲ سوره بقره: و بعضی از مردم می‌گویند: پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از آتش نگاه دار. اینان از کار خود نصیب و بهره‌ای دارند و خداوند سریع‌الحساب است.	۳ اگر کسی فقط این هدف‌ها را انتخاب کند، سرانجام او خواری و سرافکندگی و دوزخ است.
پیام آیات اصل قرار گرفتن هدف‌های اخروی مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شود. (پیام مشترک آیه ۶۰ سوره قصص)	۴ اگر هدف‌های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدف‌های اخروی می‌شوند. (پیام مشترک با آیه ۲۰۰ سوره بقره)
آیه ۶۰ سوره قصص : آنچه به شما داده شده، کالای زندگی دنیا و آرایش آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی‌کنید؟	آیه ۲۰۰ سوره بقره : بعضی از مردم می‌گویند: خداوند به ما در دنیا نیکی عطا کن. ولی در آخرت بهره‌ای ندارند.

تکته هر دوی این اهداف خوب‌اند و برای زندگی ما ضروری‌اند، اما مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن قدر به اهداف فرعی دل نبندیم که مانع رسیدن به اهداف اصلی شود.

برترین هدف

هدفی کامل‌تر و برتر است که پاسخگوی دو نیاز **متنوع بودن استعدادهای انسان و بی‌نهایت‌طلبی** او باشد. بنابراین باید به دنبال آن هدف اصلی باشیم که دربرگیرنده همه **استعدادهای متنوع** ماست.

تکته برخی هدف‌ها جامع و دربردارنده هدف‌های دیگر نیز هستند و رسیدن به آن‌ها برابر است با رسیدن به سایر اهداف.

نشر مرتباً: چون که صد آمد نود هم پیش ماست

۱ هر کسی درون خود در جست‌وجوی سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن نرسد، آرام و قرار ندارد. (گرایش به خدا امری فطری است).

۲ روح انسان، بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌ها را به صورت بی‌پایان می‌خواهد، از طرفی خداوند خالق کمالات و زیبایی‌ها و سرچشمه آن‌هاست.

نتیجه: شایسته است که انسان، تنها **تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ** را به‌عنوان هدف اصلی زندگی خود انتخاب کند؛

نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست؛ نزدیکی به او یک نزدیکی حقیقی است.

۱ از بهره‌های مادی زندگی درست استفاده می‌کنند.

افراد زیرک با انتخاب خدا به‌عنوان هدف اصلی خود - **۲** با انجام تمام کارهای دنیوی برای رضای خدا - **۳** جان و دل خود را به خدا نزدیک‌تر می‌کنند.

سرای آخرت خویش را آباد می‌سازند.

سوره نساء - آیه ۱۳۴

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.

مفهوم آیه بهره‌مندی از همه نعمت‌های دنیا و آخرت نتیجه تقرب به خداست.

نکات آیه ۱ کسی که هدفش رسیدن به نعمت‌های دنیاست، نه تقرب به خدا، به آن نمی‌رسد و زیان می‌کند؛ زیرا نعمت‌های دنیا و آخرت نزد خداوند است. این پیام مخالف با سنت امداد الهی است.

۲ کسی که هدفش تقرب به خدا و بندگی او باشد، هم به نعمت‌های دنیا می‌رسد و هم به نعمت‌های آخرت. چنین کسی با یک تیر دو نشان می‌زند.

۳ پاداش واقعی از آن کسی است که تقرب به خدا را هدف و اصل قرار می‌دهد.

ارتباط: این آیه با ابیات زیر از مولانا ارتباط دارد:

ای دوست، شکر بهتر یا آن که شکر سازد؟	خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟
ای باغ تویی خوش‌تر یا گلشن و گل در تو؟	یا آن که برآرد گل، صد نرگس تر سازد؟
ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش؟	یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

سوالات درس اول

۱ برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل بستن به آن‌ها، کدام فرایند لازم است؟

(ریاضی ۹۸ - با تغییر)

۱) هر فرد با بینش و نگرش خاص خود باید به سراغ هدفی برود و آن را انتخاب کند.

۲) تنها هدف‌هایی باید انتخاب شوند که میل بی‌نهایت‌طلبی درون انسان را آرام کنند.

۳) باید با ملاک و معیاری، هدف‌های همسو با میل بی‌نهایت‌طلب و استعداد‌های انسان مشخص شوند.

۴) هدف‌های زندگی به اصلی و فرعی تقسیم شوند و فقط هدف‌های اصلی مورد توجه قرار گیرند.

۲ کدام عبارت قرآنی، تأکید می‌کند هر موجودی براساس برنامه حساب‌شده‌ای به این جهان گام نهاده است؟

(زبان ۹۸)

۱) ﴿أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ﴾ (۲) ﴿مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾

۳) ﴿لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (۴) ﴿وَ أَنْتُمْ إِلَيْنَا لَتَرْجِعُونَ﴾

۳ عبارت «برخی از هدف‌ها به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز در بردارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز هست» مبتنی

(فارح از کشور ۹۸)

کدام مورد است؟

۱) و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست را به حق آفریدیم.

۲) هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.

۳) بگو نماز، تمامی اعمال و زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است.

۴) به راستی که پیامبران را همراه با دلایل روشن فرستادیم ... تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند.

۴ در فرآیند انتخاب هدف، کدام آیه شریفه مصداق «یک تیر و چند نشان» است؟

(فارح از کشور انسانی ۹۸)

۱) ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ﴾ (۲) ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

۳) ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ تَالِعُ أَمْرِهِ﴾ (۴) ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً﴾

(تهرانی ۹۲ - با تغییر)

۵ اگر گفته شود: «عبث آفرینی از پدیده‌های جهان به دور است»، پیام کدام آیه ترسیم شده است؟

۱) ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ...﴾ (۲) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾

۳) ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (۴) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾

سرنخ: به موضوع آیات شریفه باید توجه داشته باشید، در صورت سؤال «آفرینش پدیده‌های جهان» مورد بحث است.



(زبان ۹۱ - با تغییر)

۶ «هدف داری نظام آفرینش» از دقت در مفهوم کدام آیه به دست می‌آید و این هدفمندی معلول کدام صفت باری تعالی است؟

- ۱) ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ - حکمت
- ۲) ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ - عدل
- ۳) ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ...﴾ - حکمت
- ۴) ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ...﴾ - عدل

۷ اگر بگوییم: با توجه به آیه ﴿وَمَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ آفرینش جهان «حق» است به کدام مورد اشاره کرده‌ایم و این مورد نتیجه کدام صفت الهی است؟

- ۱) هدفمندی آفرینش جهان - عدل الهی
- ۲) هدفمندی آفرینش انسان - عدل الهی
- ۳) هدفمندی آفرینش انسان - حکمت الهی
- ۴) هدفمندی آفرینش جهان - حکمت الهی

۸ پاسخ به این پرسش که: «ما انسان‌ها برای چه آفریده شده‌ایم؟» روشنگر کدام مفهوم است و اهمیت آن معلول کدام عامل است؟

- ۱) هدف آفرینش انسان - بهره‌مندی انسان از نیروی تعقل و تفکر و لزوم انتخاب راه درست
- ۲) هدفمندی نظام آفرینش - امکان از دست رفتن سرمایه‌های ارزشمند در صورت نداشتن پاسخ
- ۳) هدف آفرینش انسان - امکان از دست رفتن سرمایه‌های ارزشمند در صورت نداشتن پاسخ
- ۴) هدفمندی نظام آفرینش - بهره‌مندی انسان از نیروی تعقل و تفکر و لزوم انتخاب راه درست

۹ این نکته که «در پی خلقت تک‌تک موجودات این جهان هدفی وجود داشته است» نتیجه کدام استدلال است؟

- ۱) خلقت هر موجودی نظامی دارد و هر نظامی هدفی را دنبال می‌کند.
- ۲) خالق آن‌ها خدایی حکیم است و خدای حکیم هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد.
- ۳) خلقت هر موجودی براساس برنامه‌ای مشخص بوده است.
- ۴) هر موجودی به سوی مقصدی در حرکت است که همان هدف اوست.

۱۰ انتخاب هدف برای انسان بر چه اساسی صورت می‌گیرد و این امر در رابطه با حیوانات و گیاهان به ترتیب چگونه است؟

- ۱) شناخت و بینش - غریزی - طبیعی
- ۲) شناخت و اختیار - طبیعی - غریزی
- ۳) شناخت و اختیار - غریزی - طبیعی
- ۴) شناخت و بینش - طبیعی - غریزی

۱۱ نزدیک‌تر شدن جان و دل انسان به خدا انتخاب خدا به عنوان هدف اصلی زندگی و اختلاف در انتخاب هدف‌های زندگی، معلول است.

- ۱) معلول - اختلاف در نوع بینش
- ۲) علت - اختلاف در نوع بینش
- ۳) علت - اختلاف در فرهنگ اجتماعی
- ۴) معلول - اختلاف در فرهنگ اجتماعی

۱۲ این‌که انسان به دنبال اهداف پایان‌ناپذیر است، ناشی از کدام ویژگی فطری اوست؟

- ۱) داشتن اراده و اختیار
- ۲) داشتن روحیه بی‌نهایت طلبی
- ۳) بهره‌مندی از عقل و فکر
- ۴) شناخت اهداف

۱۳ عبارت «یک تیر و چند نشان» معرّف کدام هدف و نتیجه انتخاب چگونه افرادی است و مفهوم کدام آیه تأییدی بر این مدعاست؟

- ۱) اصلی - زیرک - ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾
- ۲) برتر - مؤمن - ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا﴾
- ۳) برتر - زیرک - ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾
- ۴) اصلی - مؤمن - ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا﴾

۱۴ پاسخ قرآن کریم به آنان که خواهان نعمت‌های دنیایی هستند، کدام آیه شریفه است و درک پیام این آیه و عمل به آن کدام نتیجه را به دنبال دارد؟

- ۱) ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾ - آباد شدن سرای آخرت
- ۲) ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ - آباد شدن سرای آخرت
- ۳) ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾ - صرف نشدن سرمایه‌ها برای کارهای کم‌ارزش
- ۴) ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ - صرف نشدن سرمایه‌ها برای کارهای کم‌ارزش

درس اول: هدف زندگی

۱. گزینه ۳ برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل بستن به آن‌ها نیازمند ملاک معیاری هستیم که با آن هدف‌های همسو با میل بی‌نهایت طلب و استعداد‌های متنوع انسان را مشخص کنیم.

قیدهای «تنها» و «فقط» برای هدف‌های اصلی، نادرست‌اند؛ زیرا هدف‌های فرعی نیز خوب و ضروری‌اند. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
اگر هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی برود، لزوماً هدف صحیح انتخاب نمی‌شود. [رد گزینه (۱)]

۲. گزینه ۲ حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به‌معنای هدفدار بودن خلقت آن‌هاست؛ بنابراین آیه ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ دلالت بر این دارد که جهان آفرینش بی‌هدف نیست و هر موجودی براساس برنامه حساب‌شده‌ای به این جهان گام نهاده است و به‌سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است.

۳. گزینه ۲ عبارت سؤال در تعریف هدف‌های جامع است. این اهداف به‌گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز هست. «تقرب به خدا» هدف جامعی است که رسیدن به آن اهداف دنیوی و اخروی را دربر دارد و در آیه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾: «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» به آن اشاره شده است.

۴. گزینه ۲ عبارت یک تیر و چند نشان، مصداق هدف‌های جامع است که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز هست. این مفهوم در آیه شریفه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾: «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» مورد توجه واقع شده است.

۵. گزینه ۱ «آفرینش جهان عبث و بی‌هدف نیست» این مفهوم در آیه شریفه ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ...﴾ دیده می‌شود.

به ادات نفی «ما» و واژه «لأعین» بازیهه در این آیه دقت کنید.
۶. گزینه ۳ هدفداری نظام آفرینش از عبارت قرآنی ﴿وَمَا خَلَقْنَا... لِأَعْيُنٍ﴾ قابل دریافت است.

این آیه به خوبی دلالت بر این دارد که جهان آفرینش بی‌هدف نیست و هر موجودی براساس برنامه حساب‌شده‌ای به این جهان گام نهاده و به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است. (در ادامه آیه، عبارت ﴿مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ به حکیمانه بودن خلقت و صفت حکمت خداوند اشاره دارد.)

۷. گزینه ۴ حق بودن آفرینش، هدفمندی آفرینش جهان را بیان می‌کند (نه فقط آفرینش انسان) که این هدفمندی نتیجه حکمت الهی است.

۸. گزینه ۳ پاسخ به این‌که «ما انسان‌ها برای چه آفریده شده‌ایم؟» هدف آفرینش انسان را روشن می‌کند «در این پرسش سخن از انسان است نه نظام آفرینش» دست یافتن به پاسخ این سؤال بسیار مهم و حیاتی است؛ زیرا این

خطر وجود دارد که در صورت ندانستن هدف، زندگی خود را به اشتباه صرف کارهایی بکنیم که برای آن‌ها خلق نشده‌ایم و سرمایه‌ای [ارزشمند] را از دست بدهیم که امکان به‌دست آوردن مجدد آن وجود ندارد.

۹. گزینه ۲ در پس خلقت تک‌تک موجودات این جهان هدفی وجود داشته است؛ زیرا خالق آن‌ها خدایی حکیم است که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد.

به ارتباط «حکیم بودن» ← «کار بیهوده انجام ندادن» ← «خلقت هدفمند» دقت کنید.

۱۰. گزینه ۳ تفاوت انسان با حیوانات و گیاهان در چگونگی رسیدن به هدف؛ انسان خود باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند (انتخاب هدف براساس شناخت و اختیار) درحالی‌که گیاهان به‌صورت طبیعی و حیوانات به‌صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می‌کنند.

۱۱. گزینه ۱ افراد زیرک با انتخاب خدا به‌عنوان هدف اصلی خود ... جان و دل خود را به خدا نزدیک‌تر می‌کنند. - این اختلافات [اختلاف در انتخاب هدف‌های زندگی] ریشه در نوع اندیشه انسان دارد.

۱۲. گزینه ۲ انسان دارای روحیه بی‌نهایت طلب است، این انسان بی‌نهایت طلب، در زندگی خود همواره در حال انتخاب هدف است؛ هدف‌هایی که پایان نیابد و تمام نشود.

۱۳. گزینه ۳ افراد زیرک، عبادت و بندگی را به‌عنوان هدف برتر انتخاب می‌کنند و بدین‌گونه با یک تیر چند نشان می‌زنند. - آیه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ بیانگر هدفی جامع و برتر است که همه اهداف دنیوی و اخروی را در خود دارد.

۱۴. گزینه ۲ قرآن به آنان که خواهان نعمت‌های دنیایی هستند ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا﴾ این پاسخ را می‌دهد که ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ - درک پیام این آیه و عمل به آن، یعنی این‌که بدانیم تقرب به خدا هدفی جامع و برتر است. «افراد زیرک با انتخاب این هدف و انجام کارهای دنیوی خود برای رضای خدا، ... سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌سازند.»

۱۵. گزینه ۴ خلقت هدفدار موجودات جهان، نشانی از حق بودن خلقت است که خود دلیلی بر حکمت خداوند است. - آیه شریفه ﴿مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ به همین مفهوم اشاره دارد.

۱۶. گزینه ۴ می‌دانیم که «رسیدن به مال و ثروت» یکی از اهداف فرعی برای انسان است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)] همچنین می‌دانیم که «خیرخواهی نسبت به دیگران» از اهداف اصلی است که پایان‌ناپذیر بودن از ویژگی‌های آن است [رد گزینه (۳)]

۱۷. گزینه ۳ آیات مولانا بیانگر «سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌ها و هدف جامع بودن خداوند» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): جهان هدفمند

گزینه (۲): روحیه بی‌نهایت طلب

گزینه (۴): «همت و اراده بزرگ داشتن» در این بیت دیده نمی‌شود.

پایه یازدهم

بخش اول: تفکر و اندیشه

« درس اول: هدایت الهی

« درس دوم: تداوم هدایت

« درس سوم: معجزه جاویدان

« درس چهارم: مسئولیت‌های پیامبر ﷺ

« درس پنجم: امامت، تداوم رسالت

« درس ششم: پیشوایان اسوه

« درس هفتم: وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ...

« درس هشتم: احیای ارزش‌های راستین

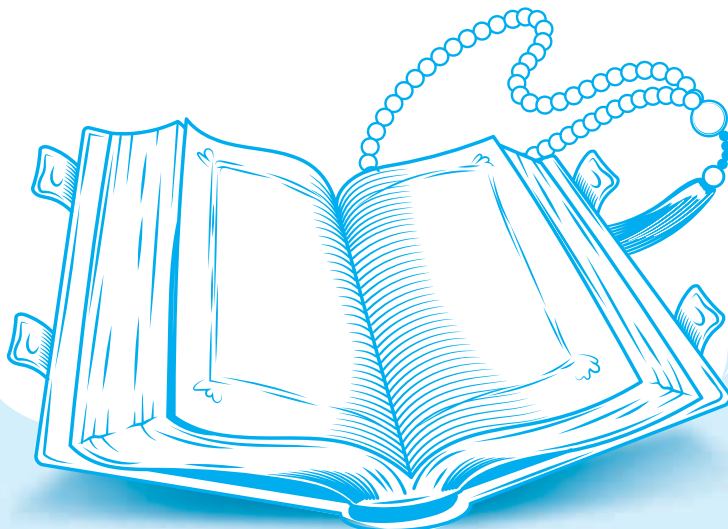
« درس نهم: عصر غیبت

« درس دهم: مرجعیت و ولایت فقیه

بخش دوم: در مسیر

« درس یازدهم: عزت نفس

« درس دوازدهم: پیوند مقدس



پیش از ورود به درس، به این مطلب دقت کنید.

«آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان هستی است.»

آیات مرتبط:

سوره انبیاء - آیه ۳۰

﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾

هر چیزی را به واسطه آب زنده کردیم.

سوره فرقان - آیه ۴۹

﴿لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا﴾

تا به واسطه آن سرزمین مرده را زنده گردانیدیم.

مفهوم آیات: آب، مایه و اساس زندگی مادی است.

همان طور که زندگی جسم ما (به عنوان جزئی از جهان مادی) به آب وابسته است، زندگی (حیات) روح ما نیز به هدایت الهی و راهنمایی پیامبران وابسته است؛ پس هدایت الهی (راهنمایی پیامبران) روح افسرده و دل های مرده را زندگی می بخشد.

آیه مرتبط:

سوره انفال - آیه ۲۴

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ هرگاه که شما را به سوی چیزی فرامی خواند که به شما زندگی می بخشد.

مفهوم آیه: هدایت الهی (که توسط پیامبران به آن فراخوانده می شویم) مایه زندگی (حیات) روح ماست.

نکات آیه

۱ این آیه خطاب به مؤمنان است.

۲ دعوت پیامبران همان دعوت خداوند (هدایت الهی) است و فرقی با هم ندارند ﴿لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ﴾.

۳ پیامبران انسان را به چیزی دعوت می کنند که مایه زندگی و حیات [معنوی] انسان است؛ یعنی دین (برنامه هدایت الهی).

۴ شرط ایمان واقعی (قرار گرفتن در زمره ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾)، اجابت کردن دعوت خداوند و رسول اوست.



درس اول: هدایت الهی

در این درس چه می‌خوانیم؟

خداوند برای سعادت انسان و حیات معنوی او برنامه‌ای تنظیم کرده و آن را به وسیله پیامبران برای انسان فرستاده است. این درس می‌خواهد به ما نشان دهد که این برنامه بر چه اساسی تنظیم شده و چرا تنها برنامه برای سعادت بشر است.

برای همین ابتدا با نیازهای انسان و پاسخ‌های مناسب آن آشنا می‌شویم؛ سپس ویژگی‌های کسی را که شایسته پاسخ دادن به این نیازهاست، بررسی می‌کنیم.

نیازهای انسان

احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند (علت) سبب شده است که در طول تاریخ، مکاتب بشری، برنامه‌های متفاوت و گاه متضادی برای سعادت بشر ارائه دهند. (معلول)

نیازهای انسان دو دسته‌اند:

۱) طبیعی (غریزی)

نیازهایی که بین انسان و سایر موجودات زنده مشترک است.

خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاه شدن از آن‌ها را نشان داده است.

نیازهایی مانند آب، هوا، خوراک و پوشاک

۲) برتر (معنوی)

نیازهایی که ویژه انسان است.

این نیازها (معلول) برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است. (علت)

پاسخ صحیح به این نیازها (علت) سعادت انسان را تضمین می‌کند. (معلول)

این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و بالأخره به سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که تا پاسخ آن‌ها را نیابد، آرام نمی‌گیرد.

۱) شناخت هدف زندگی

۲) درک آینده خویش

۳) کشف راه درست زندگی

۱) شناخت هدف زندگی

یعنی: انسان برای چه زندگی می‌کند؟

کدام هدف است که می‌تواند با اطمینان، زندگی‌اش را صرف رسیدن به آن کند.

انسان می‌داند اگر هدف حقیقی خود را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود (علت) ← عمر خود را از دست داده است. (معلول)

کلام مرتبط:

امام سجاد (علیه السلام)

خدایا، ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای.

مفهوم کلام: به دنبال «هدف زندگی» بودن در طول عمر

نکات کلام

۱) امام سجاد (علیه السلام)، هدف زندگی را از خدا می‌خواهد؛ پس اوست که به هدف زندگی ما داناست.

۲) این کلام امام سجاد (علیه السلام) به «هدف زندگی» اشاره دارد و با آیه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ و همچنین مطالب درس ۱ دینی دهم ارتباط دارد.

۳) با توجه به درخواست امام سجاد (علیه السلام) از خداوند، متوجه اهمیت «به دنبال هدف زندگی بودن» می‌شویم و پی می‌بریم که بدون هدف، ایام زندگی بوج و بی‌معنی خواهد بود.

۲) درک آینده خویش

الف پرسش های انسان

«آینده انسان چگونه است؟»

«زندگی با مرگ تمام می شود یا به شکل دیگری ادامه می یابد؟»

«اگر حیات به شکل دیگری ادامه می یابد، زندگی انسان پس از مرگ چگونه است؟»

«زاد و توشه سفر به جهان آخرت چیست؟»

«خوشبختی انسان در سرای دیگر، در گرو انجام کدام کارها در دنیا است؟»

ب ابیات مرتبط (از مولانا)

روزها فکر من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود
به کجا می روم آخر نمایی وطنم

مفهوم ابیات لزوم درک آینده خویش - نامعلوم بودن آینده برای بشر (به تنهایی)

۳) کشف راه درست زندگی

الف راه زندگی یا چگونه زیستن

ب ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد.

ج دغدغه دیگر انسان های فکور و خردمند است. (دام تستی: انسان های مؤمن)

د این دغدغه از آن رو جدی است که (معلول) انسان فقط یک بار به دنیا می آید و زندگی دنیایی را تجربه می کند (علت).

ه انسان از بین همه راه ها باید راهی را انتخاب کند که مطمئن باشد با استفاده از همه سرمایه هایی که خدا به او داده به هدف برتر [ترکیبی با درس ۱ دینی] دهیم خواهد رسید.

آیات مرتبط:

سوره عصر

وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۳

سوگند به زمان، بی شک انسان در زیان است، به جز آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و شکیبایی سفارش کرده اند.

مفهوم آیات کسی که ارزش زمان را نداند و راه درست (ایمان آوردن، انجام کارهای نیک و توصیه دیگران به حق و صبر) را نشناسد و انتخاب نکند، زیان کرده است.

نکات آیات

۱ سوگند خوردن به روزگار و زمان از سوی خداوند، نشان دهنده اهمیت و ارزش آن است.

۲ ازدست دادن زمان (عمر) زیان بزرگی است که همه انسان ها را تهدید می کند و اگر کسی هدف زندگی و آفرینش انسان و راه درست برای رسیدن به این هدف را نشناسد، عمر خود را بیهوده ازدست داده است.

۳ خداوند برنامه جامعی را به ما معرفی می کند که در صورت پیروی از آن، دچار خُسران و زیان نخواهیم شد. این برنامه چند اصل دارد: ۱) ایمان «آمَنُوا» ۲) انجام کار نیک «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» ۳) سفارش یکدیگر به حق «تَوَّصُوا بِالحَقِّ» ۴) سفارش یکدیگر به صبر و پایداری «تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»

ارتباط: این آیه با ابیات زیر از سعدی ارتباط دارد:

ابیات مرتبط (از سعدی)

مرد خردمند هنرپیشه را
عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن
با دگری تجربه بردن به کار

مفهوم ابیات کشف راه درست زندگی، لازم و ضروری است، اما انسان با عمر محدود خود نمی تواند همه راه ها را تجربه کند و بشناسد.

نکات ابیات

۱ سعدی در این ابیات امری غیرممکن را شرط «کشف راه درست زندگی و انتخاب آن» فرض می کند: دو عمر داشتن و دو بار به دنیا آمدن انسان.

۲ این فرض نشان می دهد که انسان هرگز نمی تواند با عمر محدود خود همه راه های زندگی را تجربه کند و بهترین آن را انتخاب نماید.

پاسخ به نیازهای برتر باید حداقل دو ویژگی باشد:

- ۱ **کاملاً درست و قابل اعتماد باشد:** هر پاسخ احتمالی و مشکوک (پاسخ‌های غیر قابل اعتماد) نیازمند تجربه و آزمون است. در حالی که عمر انسان محدود و راه‌های پیشنهادی زیاد است و نمی‌تواند همه آن‌ها را بیازماید.
 - ۲ **همه‌جانبه باشد:** طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ هماهنگ بدهد. ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی انسان، پیوند تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی جداگانه برنامه‌ریزی کرد.
- ویژگی‌های کسی که می‌تواند به نیازهای برتر انسان پاسخ دهد (با توجه به ویژگی پاسخ‌ها)**
- ۱ آگاهی کامل از (۱) خلقت انسان، (۲) جایگاه او در نظام هستی و (۳) ابعاد انسان، داشته باشد.
 - ۲ بداند که انسان‌ها پس از مرگ چه سرنوشتی دارند و چه عاقبتی در انتظار آن‌هاست.
- نکات:** ۱ انسان تنها با عقل خود نمی‌تواند به پرسش‌های اساسی (نیازهای برتر) پاسخ دهد (معلول)؛ زیرا دو ویژگی ذکرشده (آگاهی از خلقت انسان و سرنوشت او پس از مرگ) را ندارد. (علت)
- ۲ انسان نمی‌تواند پاسخ دادن به نیازهای بنیادین را نادیده بگیرد و بگوید «هر چه پیش آید، خوش آید»؛ زیرا پاسخ مناسب به این نیازها سعادت و خوشبختی انسان را رقم می‌زند و پاسخ نامناسب بدبختی و خسران او را.

شیوه هدایت خداوند

- خداوند هر مخلوقی را متناسب با ویژگی‌هایی که در وجودش قرار داده است، هدایت می‌کند. انسان نیز ویژگی‌هایی دارد که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند و (علت) باعث می‌شود شیوه هدایت او با سایر مخلوقات متفاوت باشد. (معلول) (هدایت خاص)
- ویژگی‌های فطری انسان (مرتبط با سرمایه‌های انسان، درس ۲ دینی دهم)**
- ۱ **توانایی تفکر و اندیشه:** انسان توانایی فکر کردن در انجام کارها را دارد. (قوه عقل)
 - ۲ **قدرت اختیار و انتخاب:** اگر پس از تفکر تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را **انتخاب** می‌کند و انجام می‌دهد.
- نکته:** آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» در درس ۲ دینی دهم نیز به قدرت اختیار و انتخاب انسان اشاره دارد.

هدایت الهی

هدایت الهی از مسیر دو ویژگی انسان (تفکر و انتخاب) می‌گذرد؛ یعنی:

خداوند برنامه هدایت انسان را که دربرگیرنده پاسخ به سؤالات بنیادین بشر است، از طریق **پیامبران** می‌فرستد تا (۱) انسان‌ها در این برنامه **تفکر** کنند و به ویژگی‌ها و امتیازات آن پی ببرند، (۲) سپس با **اختیار** خود این برنامه را **انتخاب** کنند و در زندگی به‌کار بندند تا به هدفی که خداوند در خلقت آن‌ها قرار داده، برسند.

آیه مرتبط:

سوره نساء - آیه ۱۶۵

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...﴾

رسولانی بشارت‌دهنده و اندازکننده [فرستاد]، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد ...

مفهوم آیه: خداوند با فرستادن پیامبران برای هدایت مردم، راه توجیه و بهانه‌تراشی انسان را بسته است.

نکات آیه

- ۱ این آیه به هدایت انسان از طریق پیامبران (کنکور قدیم: هدایت تشریعی) اشاره دارد. روش هدایت پیامبران (۱) بشارت: مژده و امید و (۲) انداز: بیم و ترس است.
- ۲ دلیل ارسال پیامبران، اتمام حجت خداوند با انسان است تا پس از آمدن پیامبران، توجیهی برای گمراهی خود نداشته باشد. ﴿لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾
- ۳ هدایت انسان از طریق مژده دادن به پاداش‌ها و ترساندن از عذاب‌ها و همچنین اشاره به بهانه‌تراشی‌های انسان (دلیل و حجت آوردن پس از گمراهی)، نشان‌دهنده قدرت **اختیار** در انسان است.

امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام خطاب به شاگرد خود، هشام بن حکم فرمود:
 «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که بندگان در پیام الهی تعقل کنند. (دلیل ارسال پیامبران ← تعقل بندگان در پیام الهی)
 کسانی این پیام را بهتر می پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند. (پذیرش پیام الهی نتیجه یا معلول معرفت برتر)
 و آنان که در تفکر و تعقل برترند (علت)، نسبت به فرمان های الهی داناترند. (معلول)
 و آن کسی که عقلش کامل تراست (علت)، رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است. (معلول)»

مفهوم حدیث وحی الهی در کنار نیروی تعقل و اندیشه موجب هدایت انسان است.

نکات حدیث

- ۱ این حدیث به هدایت انسان از طریق عقل و اختیار (کنکور قدیم: هدایت تکوینی) اشاره دارد.
- ۲ وحی و عقل هر کدام به تنهایی موجب هدایت انسان نمی شود، بلکه انسان با تعقل در وحی الهی مسیر خود را انتخاب می کند.
- ارتباط:** این حدیث از آن جا که به هدایت انسان از طریق وحی و عقل اشاره دارد، با آیه ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ...﴾ ارتباط مفهومی دارد.

دام تستی: انسان تنها با یاری جستن از سرمایه «عقل» می تواند مسیر درست را انتخاب کند و به سعادت برسد.
 بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می توان به پاسخ سؤال های اساسی (نیازهای برتر) دست یافت.
 انسان قدرت اختیار و انتخاب دارد (علت)؛ پس می تواند راه دیگری جز راه هدایت الهی را انتخاب کند (معلول) اما در این صورت نمی تواند به نیازهای برتر پاسخ مناسبی بدهد، عمر خود را از دست می دهد و زیان می کند.

سؤالات درس اول

(تهرانی ۹۸)

۱ دغدغه اصلی انسان های فکور و خردمند چیست و کدام آیه شریفه پاسخگوی آن می باشد؟

- ۱ شناخت هدف زندگی - ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۲ کشف راه درست زندگی - ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۳ شناخت هدف زندگی - ﴿لِيَمِيزَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾
- ۴ کشف راه درست زندگی - ﴿لِيَمِيزَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾

(انسانی ۹۸)

۲ ابیات زیر بیانگر کدام نیاز برتر انسان می باشد و با پیام کدام آیه شریفه، مرتبط است؟

«مرد خردمند هنر پیشه را
 با دگری تجربه آموختن
 عمر دو بایست در این روزگار
 تا به یکی تجربه آموختن»

- ۱ کشف راه درست زندگی - ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِقَلَّ يُكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...﴾
- ۲ درک از آینده خویش - ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِقَلَّ يُكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...﴾
- ۳ کشف راه درست زندگی - ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾
- ۴ درک از آینده خویش - ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾

(زبان ۹۸)

۳ با توجه به آیات قرآن چه کسانی دچار خسارت و زیان نمی شوند؟

- ۱ ﴿إِنَّمَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ۲ ﴿الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾
- ۳ ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾
- ۴ ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾

۴ پاسخ به سؤال های اساسی انسان چگونه مقدور است و با توجه به سخن حکیمانه امام کاظم علیه السلام چه کسی رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است؟

- ۱ در کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی - ایمانش بیشتر باشد.
- ۲ در کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی - عقلش کامل تر باشد.
- ۳ با معرفت و آگاهی کامل از سرمایه های الهی - ایمانش بیشتر باشد.
- ۴ با معرفت و آگاهی کامل از سرمایه های الهی - عقلش کامل تر باشد.

درس اول: هدایت الهی

۱ **مکریه ۲** نیاز «کشف راه درست زندگی» یا چگونه زیستن دغدغه دیگر انسان‌های فکور و خردمند است و پاسخگوی آن آیات شریفه ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ است.

۲ **مکریه ۳** آیات سؤال به نیاز کشف راه درست زندگی به عنوان یکی از دغدغه‌های جدی انسان‌های فکور و خردمند اشاره دارد. نیاز به چگونه زیستن از آن جهت دغدغه‌ای جدی است که انسان یک بار به دنیا می‌آید و تنها یک بار زندگی را تجربه می‌کند. - راه درست زندگی، با ایمان و انجام عمل صالح و سفارش به حق و صبر برای خروج از اتلاف عمر، با آیه ﴿وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّضَعُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّضَعُوا بِالصَّبْرِ﴾ مرتبط است.

۳ **مکریه ۳** در آیات سوره عصر، خداوند راه خروج از زیان را این‌گونه بیان می‌کند: ﴿وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّضَعُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّضَعُوا بِالصَّبْرِ﴾

۴ **مکریه ۲** پاسخ به سؤال‌های اساسی انسان هنگامی مقدور است که عقل و وحی در کنار هم قرار بگیرند و امام کاظم (علیه السلام) به شاگرد برجسته‌اش هشام بن حکم فرمود: «... و آن کس که عقلش کامل‌تر است رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»

۵ **مکریه ۱** دسته‌ای از نیازهای انسان، طبیعی و غریزی‌اند. مانند نیاز به آب، غذا، هوا و پوشاک که خداوند پاسخ به آن‌ها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاه شدن از آن‌ها را به انسان داده است.

دسته‌ای دیگر از نیازهای انسان که سعادت او را تضمین می‌کند، نیازهای برتر، اساسی، متعالی و بنیادین است که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است.

۶ **مکریه ۴** امام کاظم (علیه السلام) به شاگرد برجسته‌اش، هشام بن حکم می‌فرماید: «... کسانی پیام الهی را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند...». - یکی از سرمایه‌های انسان، توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه و دیگری قدرت اختیار و انتخاب اوست. یعنی انسان، ابتدا درباره هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، تفکر می‌کند و اگر تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.

۷ **مکریه ۱** آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾ بیانگر «صاحب اراده و اختیار بودن انسان» است و می‌دانیم که اراده و اختیار یکی از ویژگی‌هایی است که انسان را در مسیر حرکت به سوی کمال، از سایر حیوانات جدا می‌سازد.

۸ **مکریه ۲** یکی از ویژگی‌های پاسخ به نیازهای برتر انسان آن است که پاسخ باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود.

۹ **مکریه ۳** این نیازها (نیازهای برتر) به تدریج به دل مشغولی و درد متعالی انسان تبدیل می‌شوند. - کلام امام سجاد (علیه السلام) نیز به «شناخت هدف زندگی» اشاره می‌کند که پاسخی است به سؤال «انسان برای چه زندگی می‌کند؟»

۱۰ **مکریه ۴** با توجه به عبارت ﴿لَّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾: «تا برای مردم در مقابل خداوند، بهانه و دستاویزی نباشد بعد از آمدن پیامبران»، نبودن بهانه و دستاویز با آمدن پیامبران، مفهوم «اتمام حجت بر انسان» را می‌رساند.

مفهوم دوم این آیه، **اختیاری بودن هدایت** است. طبق این آیه، چون مردم با عقل و فکر خود می‌توانند دریابند که سعادت آنان در گرو پیروی هدایت الهی است و خداوند حجت را بر آن‌ها تمام کرده، این مفهوم یادآور هدایت اختیاری است.

نکته منظور از حجت نهان، «عقل» است که در برابر حجت ظاهر یعنی «پیامبران» قرار دارد.

۱۱ **مکریه ۱** «نیازهای فراتر از زندگی روزمره» همان **نیازهای برتر انسان** است که با توجه به متن کتاب درسی، می‌توان گفت عامل دل‌مشغولی، دغدغه و سؤال‌هایی است که تا انسان پاسخ آن‌ها را نیابد، آرام و قرار نمی‌گیرد.

۱۲ **مکریه ۱** امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «خداوند رسولانش را به‌سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن‌که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند.» بنابراین انحصار ارسال رسولان به‌سوی بندگان، تحقق تعقل است. با توجه به ادامه سخن ایشان که فرمود: «آن‌که در تفکر و تعقل برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند.» می‌گوییم: داناتر بودن آنان به فرمان الهی، معلول و نتیجه برتری معرفت (تفکر) است.

۱۳ **مکریه ۳** از آن‌جا که نیازهای برتر انسان، فراتر از احساسات و سلیق‌اند و احساسات و سلیقه‌های فردی ممکن است که به راه تکامل انسان ضربه وارد کند و او را به مقصود نرساند، نمی‌توان پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه‌های فردی واگذار کرد.

۱۴ **مکریه ۲** با توجه به مطالب بیان‌شده در کتاب درسی، «خداوند راه بهانه‌گیری انسان‌های دورافتاده از هدایت را با **ارسال پیامبران** ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ﴾ مسدود کرده است ﴿لَّئَلَّا يَكُونَ... حُجَّةً﴾.»

۱۵ **مکریه ۲** «نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود؛ زمانی که انسان، اندکی از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم‌تر روبه‌رو می‌بیند.»

نکته عبارتی که در صورت سؤال آمده، توصیفی از نیازهای برتر است؛ وجود نیازهای برتر یعنی انسان محصور در نیازهای روزمره و طبیعی نیست و علاوه بر آن، نیازهای برتری نیز دارد.

۱۶ **مکریه ۳** نیاز به کشف راه درست زندگی، خود را در قالب سؤال «چگونه زیستن» نشان می‌دهد. - برای این‌که پاسخ به نیازهای برتر انسان، پاسخی راهگشا و اطمینان‌بخش باشد، باید همه‌جانبه (جامع)، کاملاً درست و قابل اعتماد باشد.

۱۷ **مکریه ۲** امام کاظم (علیه السلام) به هشام فرمود: «ای هشام، خداوند رسولانش را به‌سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن‌که بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند... و آن کسی که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»



محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است و همه آن‌ها یک دین آورده‌اند. با این وجود، تعلیم انبیا در برخی احکام فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره با دوره‌ای دیگر تفاوت داشته است. بنابراین تفاوت در نوع دعوت‌ها، طبیعی است، اما **تغییر در اصول دعوت‌ها** نشانه تحریف تعلیمات انبیاست.

۴ غزوة ۳ «این تداوم (استمرار دعوت پیامبران و تداوم تبلیغ آن) سبب شد تا تعلیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.» (ثمره تداوم و استمرار در دعوت)

۵ غزوة ۲ آیه شریفه «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است (تضادی در دین‌ها وجود ندارد) و اهل کتاب در آن، راه مخالف نپیمودند مگر پس از آن‌که به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.»

۶ غزوة ۳ «خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود ... که دین را به پا دارید و در آن تفرقه نکنید.» - هدایت انسان از طریق فرستادن پیامبران، هدایت تشریعی است. (این مطلب مربوط به نظام قدیم است اما بد نیست که شما هم با آن آشنا شوید.)

۷ غزوة ۱ «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است (دین واحد) و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آن‌که به حقانیت آن آگاه شدند ...» پس دلیل چنددینی در این آیه، «تجاوز آگاهانه اهل کتاب به اصالت دعوت» دانسته شده است.

۸ غزوة ۲ یکی از دلایلی که در دینی یازدهم درباره «ختم نبوت» بیان شده است، «آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی» است. این آمادگی جامعه، نتیجه رشد و تکامل آن است. (مقایسه کنید با «رشد تدریجی سطح فکر مردم» از دلایل فرستادن پیامبران متعدد.) - «این کتاب دچار تحریف نشد ... به همین جهت نیازی به تصحیح ندارد.»

۹ غزوة ۳ یکی از علل آمدن پیامبران متعدد، «لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن» است. این تداوم سبب شد که تعلیم الهی در میان مردم بماند، جزء آداب و فرهنگ آنان شود و کسانی نتوانند به سادگی آن را از میان جامعه بشری بیرون کنند.

۱۰ غزوة ۳ «بیان دین الهی درخور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود» یکی از دلایل فرستادن پیامبران متعدد است؛ زیرا فهم و اندیشه انسان‌ها در دوره‌های مختلف به تدریج رشد و تکامل می‌یافت. - حدیث شریف «إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرَاءُ...» نشان‌دهنده همین مفهوم است.

۱۱ غزوة ۳ حدیث «إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرَاءُ أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» درخور فهم و اندیشه مردم سخن گفتن به این دلیل است که سطح فکر و اندیشه آنان به تدریج رشد می‌کند. این موضوع بیانگر یکی از دلایل آمدن پیامبران متعدد است.

۱۲ غزوة ۳ با توجه به آیه‌ای که در صورت سؤال آمده، «بی‌توجهی» و «ناآگاهی» از ویژگی‌های اهل کتاب در مخالفت با حقیقت دین نیست. [رد گزینیه‌های (۱) و (۲)]، بلکه آن‌ها نسبت به حقانیت دین آگاه بودند. همچنین ایجاد اختلاف و شبهات از سوی آنان بر مبنای «تفکر و تعقل» نبود؛ بلکه بر مبنای رشک و حسد ایشان بود. [رد گزینیه (۴)]

۱۸ غزوة ۱ هدف خلقت انسان، بندگی خدا و تقرب به اوست. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛ [درس ۱ دینی دهم] - یکی از ویژگی‌هایی که خداوند به انسان داده تا به این هدف برسد، برخوردار از تعقل و تفکر (توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه) است. با توجه به مطالب دینی یازدهم، به‌ویژه حدیث امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌توان گفت که لزوم توجه به وحی را عقل رقم می‌زند، نه اختیار. (بندگان در پیام الهی تعقل کنند.)

۱۹ غزوة ۱ براساس آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ...﴾، هدایت خداوند (دین) که به وسیله پیامبر به آن فراخوانده شده‌ایم، مایه حیات و زندگی انسان است. ﴿لَمَّا يُخَيِّكُمُ﴾

۲۰ غزوة ۳ به مصراع دوم بیت دقت کنید: «به کجا می‌روم آخر ...». واضح است که این مصراع از «نیاز به درک آینده خویش» سخن می‌گوید که یکی از نیازهای برتر انسان است. - نیازهای برتر، یعنی نیازهایی برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است.

نکته ﴿قُوَّةُ تَعْقُل﴾ (که در گزینه‌های (۲) و (۴) به آن اشاره شده) یکی از همین سرمایه‌های ویژه است، اما علت نادرستی آن برای پاسخ، این است که نیازهای برتر انسان فقط برخاسته از سرمایه عقل نیست، بلکه سرمایه‌های ویژه دیگر هم هستند.

۲۱ غزوة ۲ «راه زندگی» یا «چگونه زیستن» (انسان چگونه باید زندگی کند) ... دغدغه دیگر انسان‌های فکر و خردمند است. - «این دغدغه از آن‌رو جدی است که انسان فقط یک‌بار به دنیا می‌آید و یک‌بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند.»

۲۲ غزوة ۳ «احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم.»

۲۳ غزوة ۱ ابعاد وجودی انسان با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارند و برنامه‌ریزی جداگانه برای هر یک از آن‌ها غیرممکن است. برای همین است که پاسخ به سؤال‌های اساسی انسان باید همه‌جانبه باشد (تا همه ابعاد انسان را دربرگیرد).

۲۴ غزوة ۳ انسان ابتدا در برنامه هدایت الهی تفکر می‌کند (مقدم، سپس با اختیار خود این برنامه را انتخاب می‌کند (مؤخر)). آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ...﴾ به مفهوم «اراده و اختیار انسان» اشاره دارد؛ یعنی مورد دوم.

درس دوم: تداوم هدایت

۱ غزوة ۴ وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از پیامبران گذشته است. - آنان که دینی غیر از اسلام را برگزیده‌اند، در آخرت زیان می‌بینند: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

۲ غزوة ۴ طبق آیه ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ کسانی که دینی جز اسلام اختیار کنند، اعمالشان پذیرفته نخواهد شد.

۳ غزوة ۲ به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیا به تدریج فراموش می‌شد، یا به گونه‌ای تغییر می‌یافت که با اصل آن متفاوت می‌شد.

پایه دوازدهم

بخش اول: تفکر و اندیشه

« درس اول: هستی بخش

« درس دوم: یگانه بی همتا

« درس سوم: توحید و سبک زندگی

« درس چهارم: فقط برای تو

« درس پنجم: قدرت پرواز

« درس ششم: سنت های خداوند در زندگی

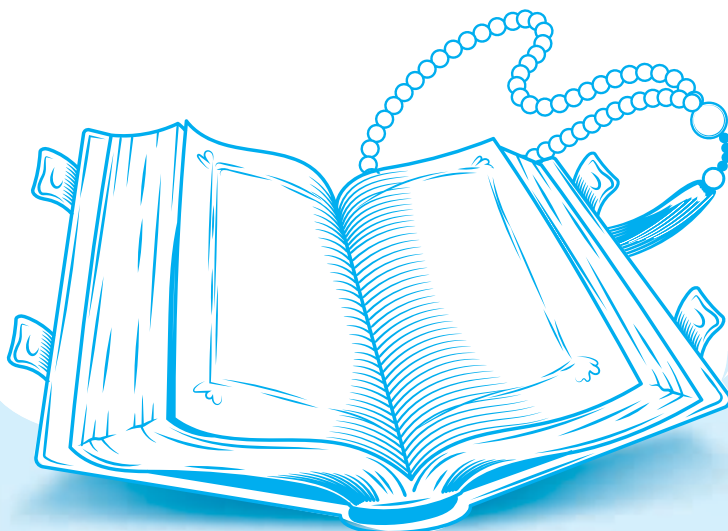
بخش دوم: در مسیر

« درس هفتم: بازگشت

« درس هشتم: احکام الهی در زندگی امروز

« درس نهم: پایه های استوار

« درس دهم: تمدن جدید و مسئولیت ما



درس اول: هستی‌بخش

در این درس چه می‌خوانیم؟

در این درس می‌خوانیم که مخلوقات چه در پیدایش و چه در بقا، محتاج به خالق هستند که او خود، پدیده نباشد. همچنین مفهوم «نور» بودن خداوند و مشهود بودن او در نظام هستی و نیز، موضوع «محدود بودن ذهن انسان» و ناتوانی او از درک ذات خداوند مورد بحث قرار می‌گیرد.

نیازمندی جهان به خدا

۱) در مرحله پیدایش

«مقدمه اول» پدیده بودن جهان و عدم اتکا به خود در پیدایش:

انسان‌ها و دیگر موجودات، پدیده‌هایی هستند که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

«مقدمه دوم» احتیاج جهان به غیر برای پیدایش:

هیچ پدیده‌ای، وجودش از خودش نیست و برای موجود شدن به پدیدآورنده‌ای نیازمند است که خود پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد و نیازی به پدیدآورنده نداشته باشد.

نتیجه‌گیری: ما و همه موجودات جهان، در پدید آمدن خود (پیدایش) به خالق (خداوند) نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این موجود (وجود) برتر و متعالی، خدا نامیده می‌شود.

آیه مرتباً:

سوره فاطر - آیه ۱۵

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید و خدا است که [تنها] بی‌نیاز ستوده است.

مفهوم آیه فقر همیشگی مخلوقات نسبت به خداوند

نکات آیه

۱) این آیه به نیازمندی همه موجودات در هستی خود از جمله انسان‌ها به خداوند در دو مرحله «پیدایش و بقا» اشاره دارد. ﴿أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ﴾

۲) تنها وجود بی‌نیاز خداست که در پیدایش و وجود خود محتاج به غیر نمی‌باشد. ﴿هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

۳) عبارت «هو الغنی الحمید» به «توحید ذاتی» خداوند اشاره دارد. [ترکیبی با درس ۲ دینی دوازدهم]

ارتباط: این آیه با دو بیت «ذاتِ نیافته از هستی، بخش / چون تواند که بود هستی‌بخش» و «خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آبدهی» مرتبط است؛ چرا که هر دو بیت به مقدمه دوم در اثبات نیازمندی جهان به خدا در پیدایش اشاره دارند.

۲) در مرحله بقا

جهان، همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیازمندی، هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود، چرا که همه مخلوقات وابسته به خدا هستند و خداوند هر لحظه اراده کند، می‌تواند آن‌ها را از بین ببرد.

مثال: رابطه موجودات جهان با خالق مانند رابطه جریان برق با مولد آن می‌باشد (چرا که پس از قطع شدن جریان برق (خداوند)، لامپ‌های متصل به آن (مخلوقات) نیز فوراً خاموش می‌شوند).

مثال: رابطه موجودات جهان با خالق مانند رابطه بنا با ساختمان نمی‌باشد (چرا که ارتباط بنا با ساختمان پس از ساخته شدن آن سازه، به‌طور کامل قطع می‌گردد، اما خداوند، خالق سنگ، چوب و ... و حتی آفریننده آن بنا است و ارتباط خداوند با مخلوقات هیچ‌گاه قطع نمی‌شود).

بنابراین، موجودات پس از پیدایش نیز، به همان اندازه برای بقای خود به خدا نیازمند هستند و مصداق این نیازمندی (احتیاج)، این است که دائماً به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.



زبان حال موجودات و فقر دائمی آن‌ها نسبت به خداوند را، مولوی این‌گونه بیان می‌کند:

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست	ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان	تا که ما باشیم با تو در میان
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما	تو وجود مطلق، فانی‌نما
ما همه شیران ولی شیر علم	حمله‌مان از باد باشد دم به دم

آیه مرتباً:

سورة الرحمن - آیه ۲۹

﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾

هرآنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند. او همواره دست‌اندرکار امری است.

مفهوم آیه: عرض نیاز دائمی مخلوقات به خدا

نکات آیه

۱ این‌که همه موجودات در هر حال، پیوسته از خداوند «درخواست دارند»، بیانگر این است که همه موجودات پس از پیدایش (یعنی در مرحله بقا) نیز به خداوند نیازمندند. (اشاره به نیازمندی موجودات به خدا در پیدایش و بقا)

۲ این‌که خداوند همواره در حال انجام کاری است، یعنی همواره در حال تدبیر امور است و بنابراین از عبارت «کل یوم هو فی شأن» توحید در ربوبیت برداشت می‌شود. [ترکیبی با درس ۲ دینی دوازدهم]

ارتباط: تمامی ابیات شعر «ما چو ناییم و نوا در ما ز توست...» از مولوی، با این آیه، قرابت معنایی دارند. در رابطه با این ابیات، به نکات زیر دقت کنید:

۱ بیت چهارم «ما همه شیران ولی...» به پدیده بودن موجودات و فقر ذاتی آن‌ها اشاره دارد.

۲ بیت دوم «ما که باشیم ای تو...» بیانگر «نفی شرک در تمامی مراتب» می‌باشد. [ترکیبی با درس ۲ دینی دوازدهم]

رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت‌ساز و ساعت، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد که به گونه زیر است:

تفاوت‌ها	شباهت‌ها
ساعت‌ساز، هستی‌بخش اجزای ساعت نیست و فقط نظم‌دهنده اجزا است، اما خداوند هم هستی‌بخش است و هم نظم‌دهنده.	هر دو پدیده‌اند و به خالق و سازنده نیازمندند.
دوام و بقای ساعت وابسته به ساعت‌ساز نیست، اما دوام و بقای جهان وابسته به خالق آن است.	هر دو مرکب از اجزا هستند.
نظم و پیچیدگی جهان بسیار فراتر از پیچیدگی یک ساعت است و نظم ساعت با نظم جهان قابل مقایسه نیست.	هر دو منظم و هدف‌دار هستند.

ثمره درک نیازمندی به خدای بی‌نیاز

انسان‌ها دو دسته‌اند — ناآگاه — نسبت به نیازهای دائمی انسان به خدا بی‌توجه‌اند.

— آگاه — دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند.

یک رابطه مستقیم

«افزایش خودشناسی (سودمندترین دانش‌ها) — عَلَّتْ — درک بیشتر فقر و نیازمندی — عَلَّتْ — افزایش عبودیت و بندگی

«افزایش معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا — عَلَّتْ — احساس بیشتر نیاز به خدا — عَلَّتْ — ابراز بیشتر عجز و بندگی



حدیث مرتبط:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ

«اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»

خدایا مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار

مفهوم حدیث: ثمره درک نیازمندی به خدا

نکات حدیث: ۱ این دعای پیامبر ﷺ از خداوند، به آن جهت است که می‌داند انسان در هر لحظه‌ای (چشم به هم زدنی)، برای بقای خود نیازمند به خداوند است.

۲ از آن جهت که پیامبر ﷺ انسانی آگاه است و خود را نیازمند عنایات پیوسته خداوند می‌داند، بندگی و احساس عجز خود نسبت به خداوند را، این‌گونه ابراز می‌کند و از خداوند می‌خواهد تا لطف و رحمت خاصش را حتی برای یک لحظه از او نگیرد و او را به حال خود واگذار (رها) نکند.

خداوند، نور هستی

مفهوم نور بودن خداوند

«نور» تعبیر قرآن کریم از رابطه میان خداوند با جهان هستی است که پس از تفکر دقیق، می‌توان به معنای آن پی برد.

خداوند از جنس نورهای مادی نیست؛ یعنی از اجسام ناشی نمی‌شود و منشاء مادی ندارد.

«نور» آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدا و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود.

خداوند «نور» هستی است، یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند.

تمام موجودات به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند.

هر موجودی در حدّ خودش تجلی بخش خداوند است و آیه‌ای از آیات الهی می‌باشد (نه نوری از انوار الهی) و آنان که با دقت در جهان هستی می‌نگرند (علّت) در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند (معلول).

آیه مرتبط:

سوره نور - آیه ۳۵

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

مفهوم آیه: خداوند، در نظام هستی مشهود است.

نکته آیه: هر مخلوقی، چه در مرحله پیدایش و چه در بقا، وجود خود را از خدا می‌گیرد و به خداوند نیازمند است.

ارتباط: این آیه با تمام موارد زیر قرابت مفهومی دارد:

۱ بیت «دلی کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید اوّل خدا دید»

۲ شعر «به صحرا بنگرم صحرا تو بینم ...»

۳ حدیث «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَ...»

حدیث مرتبط:

امام علی (علیه السلام)

«مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ»

هیچ چیزی را ندیدم مگر این‌که خداوند را قبل و بعد و با آن دیدم.

مفهوم حدیث: مشهود بودن خداوند در نظام هستی

نکات حدیث: ۱ هر موجودی در حدّ خودش، تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت و رحمت و سایر صفات الهی است. بنابراین، تمام کائنات نشانگر حق تعالی و آیه‌ای از آیات الهی هستند.

۲ از آن‌جا که امام علی (علیه السلام) به معرفتی عمیق و والا دست یافته بود، خداوند با هر چیزی در نظرش جلوه‌گر می‌شد.

درس اول: هستی‌بخش

۱ **گزینه ۳** شخصی که به نیاز دائمی و لحظه به لحظه خود به خدا و عنایات پیوسته او آگاه باشد در بیت «ما همه شیران ولی شیر علم / حمله مان از باد باشد دم به دم» دائماً به پیشگاه خدا عرض نیاز می‌کند. یعنی هرچه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند. برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذارد نکند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدایا مرا چشم به هم زدن به خودم وا نگذار.»

۲ **گزینه ۲** براساس حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «افضل العبادۃ ادمان التفكير في الله و في قدرته: برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خداوند و قدرت اوست.» اندیشه، بهار جوانی را پرتراوت و زیبا می‌سازد و استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد.

۳ **گزینه ۴** انسان‌های آگاه دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند. هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند. برای همین است که پیامبر گرامی ما دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدایا مرا چشم به هم زدن به خود وا نگذار.» از این رو موجودات، دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند: «ما همه شیران ولی شیر علم / حمله مان از باد باشد دم به دم.»

۴ **گزینه ۱** فهم عبارت شریفه «يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله»؛ «ای مردم شما نیازمندان به خداوند هستید.» یعنی فهم «نیازمندی مطلق انسان به خداوند» و اینکه خداوند پروردگار جهانیان است و نتیجه آن، پرستش و عبودیت الهی است که در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ»؛ «همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بندگی کنید [که] این راه راست [و درست] است.» مذکور است.

۵ **گزینه ۱** لازمه شناخت هر چیزی، احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی‌تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. به عبارت دیگر، نمی‌توانیم به ذات خدا پی ببریم. زیرا احاطه جزء بر کل، محال است.

۶ **گزینه ۱** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «افضل العبادۃ ادمان التفكير في الله و في قدرته: برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.»

۷ **گزینه ۳** موجودات جهان همواره، پیوسته، دائماً و در هر آن به خدا نیازمند هستند و این‌گونه به پیشگاه او عرض نیاز می‌کنند: «ما چو ناییم و نوا در ما ز توست / ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست». مولوی در این بیت موجودات را به یک نی تشبیه می‌کند که مانند صدای درون آن، به نوای پیوسته صاحب آن وابسته است و موجودات را به کوهی تشبیه می‌کند که مانند صدای آن به فریاد کننده آن نیاز و وابستگی دائمی دارد.

۸ **گزینه ۲** افزایش خودشناسی — درک بیشتر فقر و نیازمندی

دقت در فهم عبارت «انتم الفقراء إلى الله» — افزایش عبودیت و بندگی

۹ **گزینه ۳** تفکر در ذات خداوند، ممنوع است. زیرا ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند. هر چستی که برای خداوند فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم.

نکته شناخت هستی خداوند — ممکن (شدنی)

شناخت چستی خداوند — ناممکن (ناشدنی)

تذکر «هستی» خداوند که در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) آمده، قابل شناسایی است و حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فقط مربوط به ذات خداوند می‌شود که قابل شناخت نیست.

۱۰ **گزینه ۳** رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات و چستی خداوند تفکر نکنید.» براساس این حدیث نباید درباره چستی خداوند تفکر کرد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است ولی خداوند حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند.

۱۱ **گزینه ۱** خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند (جهان در بیدایش نیازمند به خداست) و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است (جهان در بقا، نیازمند به خداست). به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

نکته خداوند است که نور هستی می‌باشد و نه موجودات. بلکه موجودات از آن جا که جلوه‌گاه خالق خود هستند، آیه‌ای می‌باشند از آیات (نشانه‌های) الهی.

۱۲ **گزینه ۲** براساس آیه «اللَّهُ نور السماوات و الارض»، منظور از نور بودن خداوند این است که تمام موجودات وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به او وابسته است. به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی است.

۱۳ **گزینه ۱** در مقام مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است، همین‌که مولد، متوقف شود، جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند. پس هستی (پیدایش و بقای) موجودات به خداوند وابسته است. از این عبارات، نیاز موجودات به خدا در پیدایش و بقای خود مفهوم می‌گردد. در قرآن کریم، انسان‌ها و سایر مخلوقات، «فقیر» و خداوند، «غنی» خوانده شده است.

۱۴ **گزینه ۱** عبارت «يا ايها الناس انتم الفقراء إلى الله» — اشاره به فقر و نیازمندی مخلوقات به خدا در پیدایش و بقا

مصراع «به صحرا بنگرم صحرا تو بینم» — اشاره به مشهود بودن خداوند در نظام هستی

۱۵ **گزینه ۲** میان افزایش معرفت انسان و افزایش عبودیت او، رابطه مستقیم برقرار است:

افزایش خودشناسی — درک بیشتر فقر و نیازمندی — افزایش عبودیت و بندگی



۲۳ غزیه ۳: از مصادیق عمل به توصیه ﴿تفکروا فی کل شیء﴾، تفکر در رابطه با خدا و قدرت او است که عبارت ﴿ادمان التفکر فی الله﴾ به آن اشاره دارد. همچنین عبارت قرآنی ﴿أفلا یتدبرون القرآن﴾ از آن جا که به لزوم تدبر و تفکر در قرآن اشاره می‌کند، باین عبارت ارتباط مفهومی داشته و پاسخ درست می‌باشد.

۲۴ غزیه ۴: ابیات «دلی کز معرفت نور و...» و «به هر جا بنگرم کوه و درو دشت...» و آیه ﴿و من آیاته...﴾، تماماً به این مطلب اشاره دارند که «همه موجودات، وجود خود را از خالق می‌گیرند و بنابراین، نشانه‌ای از آیات الهی هستند».

نکته: آیاتی که با «من آیاته» شروع می‌شوند، با آیه ﴿الله نور السماوات و الارض﴾ قرابت مفهومی دارند، چراکه همگی به «آیه‌ای از آیات الهی بودن موجودات و نشانه‌های خداوند» اشاره دارند.

۲۵ غزیه ۱: آیه ﴿یسأله من فی السماوات و الارض...﴾ به ترتیب بیانگر دو مطلب می‌باشد:

(الف) احتیاج دائمی مخلوقات به خداوند ﴿یسأله من...﴾

(ب) اداره جهان توسط خداوند (توحید در ربوبیت)

بنابراین، این آیه با بیت «ما نبودیم و تقاضا مان نبود / لطف تو ناگفته ما می‌شوند» مرتبط است، چرا که هر دو به «رب» بودن خداوند و پرورش یافتن مخلوقات توسط خالق، اشاره دارند.

درس دوم: یگانه بی‌همتا

۱ غزیه ۴: آیه ﴿الله الصمد﴾ بیانگر بی‌نیازی خداوند است که با عرض نیاز دائمی و پیوسته موجودات به پیشگاه خدا در آیه ﴿یسأله من فی السماوات و الارض کل یوم هو فی شأن﴾: «هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند. او همواره دست‌اندرکار امری است.»، مرتبط است.

۲ غزیه ۳: سخن امام علی (ع) که می‌فرماید: «خدای من! مرا این عزت بس که بنده تو باشم.» با عبارت قرآنی ﴿وان اعبدونى هذا صراط مستقیم﴾ مرتبط است و آن جا که می‌فرماید: «و این افتخار بس که تو پروردگار منی...» مؤید باور و پذیرش توحید در ربوبیت است.

۳ غزیه ۴: اینکه «تمام موجودات، وجود خود را از خداوند می‌گیرند، یعنی خداوند به موجودات هستی‌بخشی می‌کند که اشاره به توحید در خالقیت دارد. پس با آیه ﴿الله نور السماوات و الارض﴾: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.» مرتبط است. زیرا نور به معنای سبب پیدایی و آشکاری است.

بی‌همتایی خداوند، یگانگی و شریک نداشتن او به مفهوم اصل و حقیقت توحید اشاره دارد که در آیه ﴿و لم یکن له کفو احد﴾: «و برای او هیچ همتایی نیست» تأکید شده است.

۴ غزیه ۳: عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (ع) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) زمانی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها و مستقل از خدا بدانیم. اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیاء از خداوند و به اذن خدا بدانیم، عین توحید در ربوبیت است. آیه ﴿قل اغیر الله ابغی...﴾ نیز با این مطلب، هم‌مفهوم است.

بنابراین افزایش خودشناسی (افزایش کمالات انسان)، علت (زاینده) درک بهتر فقر و نیازمندی است. قطع رابطه میان جریان برق و مولد آن ناممکن است؛ زیرا اگر لحظه‌ای مولد برق نباشد، جریان برقی هم وجود نخواهد داشت.

۱۶ غزیه ۱: برای رسیدن به معرفت عمیق و والا، پاکی و صفای قلب نیاز است، لذا اگر با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد (بهره‌مندی از سنت توفیق الهی) و لذت چنین معرفتی را به انسان خواهد چشاند.

۱۷ غزیه ۲: مقدمه دوم: موجوداتی که پدیده هستند و وجودشان از خودشان نیست، در موجود شدن نیازمند به وجودی هستند که وجودش از خودش باشد و پدیده نباشد. بنابراین جمله «احتیاج انسان به غیر برای موجود شدن» به مقدمه دوم اشاره دارد و بیت «خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آب‌دهی» نیز حاکی از آن است.

۱۸ غزیه ۳: انسان و مخلوقات جهان همواره و در هر «آن» به خداوند، نیازمندند و این نیازمندی هیچ‌گاه قطع و کم نمی‌شود.

عبارت ﴿کل یوم هو فی شأن﴾ بیانگر این است که خداوند همواره دست‌اندرکار امری است و در حال پاسخگویی به احتیاجات مخلوقات ﴿یسأله من فی السماوات و الارض﴾ می‌باشد.

۱۹ غزیه ۴: این‌که انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم (شرط)، خداوند نیز لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند (مشروط).

۲۰ غزیه ۳: در کتاب درسی آمده است: «هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند»، بنابراین «فرونی معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا»، زاینده و علت «بیشتر شدن ابراز عجز و عبودیت نسبت به خداوند» می‌باشد.

۲۱ غزیه ۳: انسان‌های آگاه، دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند، به همین دلیل پیامبر گرامی اسلام فرمود: ﴿اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابد﴾ یعنی «خدایا مرا چشم به هم زدن به خودم وامگذار» و میان آن‌ها رابطه علّیت وجود دارد.

۲۲ غزیه ۲: دلایل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مخلوقات در ذات خود، مستقل نیستند.

گزینه (۳): وجود مخلوقات، به خود آن‌ها وابسته نیست و ذات آن‌ها از خود آن‌ها نشأت نمی‌گیرد.

گزینه (۴): مخلوقات، «فقیر بالذات» هستند و نه «قائم بالذات».

نکته: به مترادف‌ها در دین‌و زندگی بسیار توجه کنید، مثلاً در تست‌ها به جای «خداوند» ممکن است مترادف‌های زیر به کار رود:

(۱) قائم بالذات (۲) علت العلل (۳) مسبب الاسباب (۴) متکی به خود (۵) واجب‌الوجود

(۶) همواره پابرجا (۷) وجود برتر و متعالی

و یا این‌که مثلاً به جای «پدیده» بگویند: (۱) فقیر بالذات (۲) وابسته به غیر (۳) متکی به غیر (۴) فناپذیر (۵) ممکن‌الوجود